

خاتمی مزدش را گرفت/ شما به تندروها رأی دادید آقای تاجیک نه ما!



شناسه خبر: ۱۳۹۶۶۲ دوشنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۱:۴۷

محمدرضا تاجیک و سایر چپهای تحریمی باید بدانند که این آنها بودند که با رأی ندادن خود موجب رأی آوری نامزدهای تندرو شدند و تقصیر این قضیه متوجه آنهاست.

سرویس سیاست مشرق - «وبلاگ مشرق» خوانشی روزانه در لابه‌لای اخبار و اتفاقات کشور است. ما درباره این خوانش البته تحلیل‌ها و پیشنهادهایی را نیز در اختیار مخاطبان محترم می‌گذاریم. هر روز با بسته ویژه خبری-تحلیلی مشرق همراه باشید.

لازم به ذکر است که این آخرین شماره وبلاگ مشرق در سال ۱۴۰۲ است و سری جدید وبلاگ مشرق ان‌شاء... از روز شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ منتشر خواهد شد.

شما به تندروها رأی دادید آقای تاجیک نه ما!



محمدرضا تاجیک، تئورسین اصلاح طلب و از چپ های تحریمی به تازگی در یادداشتی که به جای ادبیات ثقیل همیشگی و بیان فوکوئی؛ استثنائاً بصورت کامل متوجه رخداد های سیاسی و مسئله پسا انتخابات است؛ با ادبیاتی شداد و غلاظ به نقد برخی منتخبان مجلس دوازدهم پرداخته است.

او که به نظر می رسد چند مخاطب خاص از بین نمایندگان منتخب را در یادداشت خود خطاب قرار داده است، با تندترین ادبیات ممکن به نقد سلوک و رفتار آنها مشغول شده و تأکید می کند که آنها اکنون به هر چه می خواهند رسیده اند.

به گزارش اعتماد آنلاین، تاجیک در یادداشت خود همچنین به نقل خاطره ای شخصی از مرحوم هاشمی رفسنجانی می پردازد که در یک پسا انتخابات به تاجیک گفته است: این تیمی که سر کار می آید و ارباب حلقه قدرت خواهد شد، چنان تصویر از دین و انقلاب نشان خواهد داد که بسیاری از جرگه دینداران و انقلابیون خارج خواهند شد. [1]

*پرواضح آنکه اگر هم نماینده ای با مختصات موصوف به مجلس رفته باشد؛ این رخداد بد اثر "رأی دادن تاجیک و امثال او به رأی ندادن" یا همان تحریم انتخابات است. [2]

به قول آقای ظریف، این شما بودید که با رأی ندادن به آنها رأی دادید نه ما و مردم!

تاجیک باید زمانی را به یاد بیاورد که مستانه برای تحریم انتخابات می سرود و می نوشت: بسیار مردمان، به دلایل گوناگون بر این باور شده‌اند که زندگی و جامعه در خور آنان را دیگر نمی‌توان از رهگذر انتخابات ایجاد کرد! [3]

همچنین است که تاجیک و امثال تاجیک هم اکنون باید خود را در سکوت ملامت کنند زیرا در یک جامعه دموکرات و انتخابات‌محور کسی منتظر شنیدن صدا و نظر تحریمی‌ها نیست.

خاتمی مزدش را گرفت



محمد موسوی خوئینی‌ها، چپ تحریمی و از بنیان اصلی تحریم انتخابات در بخشی از یک یادداشت پیرامون انتخابات اخیر و میزان مشارکت در آن، با اشاره به به انتقادات گسترده از خاتمی برای تحریم انتخابات نوشت: یکی از این کارها رفتاری است که نسبت به شخصیتی مانند جناب آقای خاتمی در پیش گرفتند، شخصیتی که در انتخابات سال 1376 ابر و باد و مه و خورشید و فلک را به کار گرفتند تا مردم به او رأی ندهند، ولی اکثریت قاطع رأی‌دهندگان او را انتخاب کردند. در دوران ریاست جمهوری او به جای آنکه حرمت انتخاب مردم را نگه دارند، هر از چندی مانعی بر سر راهش ایجاد کردند، و البته با همه آن کارشکنی‌ها، طبق آمار، موفقیت‌های او از آن پس تکرار نشده است. اما همان کسانی که نعمت‌ها و فرصت‌های الهی را قدر ندانستند، آن قدر بر شیوه‌های مدیریت و حکمرانی خود، که صرفاً بر اساس آرزوهایشان و بدون توجه به ظرفیت‌ها و بدون درک عنصر زمان و مکان بود، پافشاری کردند که امروز باید با اقلیتی در حد 30 درصد

یا کمی بیشتر از آن، تظاهر به خرسندی کنند.

به گزارش جماران، موسوی خوئینی ها می افزاید: آن ها باز هم بر شخصیتی که اگر امروز محبوب ترین نباشد دست کم یکی از محبوب ترین ها است می تازند و نکته ای که از آن غافل اند این است که از این رفتار دور از انصاف و آداب انسانی با خاتمی، چه کسی زیان می کند. سال ها است که محدودیت های خبری و غیر خبری بر جناب آقای خاتمی اعمال می شود و بدگویانش از هیچ زشت گویی ای فروگذار نمی کنند و تنها عرض خود می برند و راست این است که آنکه زیان می بیند نه خاتمی که کسانی اند که بر شیوۀ نادرست مدیریتشان بر کشور اصرار می ورزند و خودشان و مردم را گرفتار مشکلات روزافزون کرده اند و بدین ترتیب از همان سی و اندی درصد هوادار خود نیز می کاهند. ای کاش بدانند که در امر حکمرانی، پیروزی سرانجام با اکثریت است. [4]

*در اشاره به اظهارات خوئینی ها بیان چند نکته ضروریست:

یکم: آقای خوئینی ها باید یاد بگیرد که اکثریت یک کشور؛ آن اکثریتی است که حاکمیت و قانون مستظهر به وجود و حمایت آنهاست نه آمار سینوسی مشارکت در انتخابات!

چه اینکه همان اکثریت قانونی است که موجب می شود نتیجه انتخابات قانونی با هر میزان مشارکتی اما واجب اطاعه باشد و کسانی که رأی نداده اند نیز مجبور به اطاعت از نتیجه انتخابات قانونی باشند.

به سخن دیگر اینکه از آقای خوئینی ها بعید بود که با این سن و سال و با آن سوابق اما برای مواجهه سیاسی؛ مسیر لایک و اقبال های توییتری را برای بیان انتخاب کند نه مسیر عقلانیت و صداقت را!

دوم: انتظار بود خوئینی ها درباره محدودیت های خاتمی حقیقت را به نسل جوان بگویند و توضیح بدهد که این محدودیت ها غیر قانونی نیست بلکه در نتیجه اقدامات سوء خاتمی در فتنه سال 88 است. محدودیت هایی که رأی ندادن خاتمی و پافشاری او بر توطئه تحریم انتخابات نیز نشان داد تا چه اندازه عقلانی و درست بوده اند و بر سبیل صلاح مردم و مملکت قرار داشته اند.

سوم: بدیهی بود که خاتمی باید دستمزد ساده لوحی خود را از همیان بانی تحریم انتخابات برگیرد زیرا "فرماندهان آشوب و فتنه" سالها بود تقلا می کردند خاتمی را رسماً و علناً حامی نشان دهند.

تقلایی که اگرچه می توان گفت حتی در فتنه 88 هم بصورت علنی محقق نشد اما پس از 14 سال و در توطئه تحریم انتخابات به مقصودش رسید و نام خاتمی را در سیاهه توطئه گران علیه مردم و نظام اسلامی ثبت کرد.

خاتمی البته در مابه ازای این سیه روزی؛ باید هم تشکر ساده ای از خوئینی ها دریافت می کرد...

و چهارم: آقای خوئینی ها در کنایه گفته اند "پیروزی با اکثریت است!"

منظور و مخاطب این جمله روشن است.

لکن ما علناً و صریح برای خوئینی ها توضیح می دهیم که اولاملاک اکثریت همان "اکثریت قانونی" است نه میزان سینوسی شرکت کنندگان در یک انتخابات!

ثانیا آن مدعی پیروزی که نصر خود را به آینده و یوم "خواهید دید" ارجاع بدهد یعنی هیچ بنیاد تحلیلی و متقنی برای حرف خود ندارد.

و ثالثاً برای رویت پیروز ماجرا نیازی به بیانیه نوشتن و تشکر از آلت دست ها و کری خواندن نیست. زمانی که مجلس دوازدهم همچون تمام دیگر مجالس سابق، به پشتوانه قانون و اکثریت قانونی کشور تشکیل شود؛ طرف پیروز ماجرا مشخص خواهد شد!

اسلحه، پشت کلمات پنهان نمی شود آقای نورانی نژاد!



حسین نورانی نژاد، از چپ های تحریمی، اخیرا در یادداشتی انتخاباتی که اعتمادآنلاین آنرا منتشر کرد، نوشته است:

"به هر تقدیر، در شرایطی که دموکراسی در همه دنیا تضعیف شده، طبق گزارش اکونومیست، کمتر از 8 درصد مردم جهان در دموکراسی های کامل زندگی می کنند و 39.4 درصد مردم جهان تحت حاکمیت استبدادی هستند، اقتدارگرایی در ایران نیز اقتدارگراتر از پیش شده و به رغم ناکارآمدی آن، چشم انداز کوتاه مدت و حتماً میان مدتی از تغییر رویکرد آن دیده نمی شود، روش های تغییر بنیادین و در عین حال خشونت پرهیز در دسترس نیستند و حاکمیت نیز عملاً راه مشارکت در قدرت و هر نوع همکاری و تفاهم را مسدود کرده است، به نظر لازم است بر روش های واقع بینانه مدنی، غیر خشونت آمیز و تدریجی برای تغییر (و نه حفظ وضع موجود، آفتی که به جان بخشی از اصلاح طلبان افتاده و اساساً ذهنیت و ادبیات تغییر را از آنها دور کرده تا در عمل به محافظه کارانی برای حفظ وضع موجود بدل شوند، مبادا که هر تغییری موجب بدتر شدن اوضاع شود) از درون جامعه اندیشید!" [5]

*بله! کسی که بر طبل تحریم انتخابات کوبیده باشد و مردم را هم به رأی ندادن تشویق کرده باشد؛ طبعاً هیچ راه خشونت پرهیزی برای اعمال تغییر وجود ندارد.

آقای نورانی نژاد به حقیقتی اشاره کرده که ما در قبل از انتخابات از او و هم مسلکان تحریمی اش پرسیدیم که اگر صندوق رأی را بر زمین بگذارید؛ چه راه دیگری جز اسلحه خواهید داشت؟!

اما نورانی نژاد و یارانش هرگز پاسخ این سوال مصلحانه را ندادند تا به اعتراف امروز گرفتار آمدند. [6]

دقت شود که تقریر نورانی نژاد مبنی بر اینکه "لازم است به روش های غیر خشونت آمیز اندیشید" هم اگر یک تقلا برای فرار از مسئولیت نباشد؛ یک ساده لوحی بیشتر نیست چون کسی که امر به تحریم انتخابات می کند؛ یعنی هیچ راهی جز اسلحه را برای سیاست ورزی نمی شناسد. (همچنان که در اعتراف چند کلمه قبل تر نورانی نژاد هم به این معنا اشاره می شود)

1_ <https://www.etemadonline.com/tiny/news-654817>

2_ mshrgh.ir/1564039

3_ <https://ensafnews.com/464670>

4_ <https://www.jamarkan.news/fa/tiny/news-1626475>

5_ <https://www.etemadonline.com/tiny/news-654820>

6_ mshrgh.ir/1397665

انتهای پیام/